

متن پرسش

سلام استاد: جسارتاً به شبهه زیر جوابی قانع کننده بدهید. با توجه به قسمتی از سخنرانی امام خمینی (ره) در بهشت زهرا در روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷: «اصل رژیم سلطنتی از اول خلاف قانون و خلاف قواعد عقلی است و خلاف حقوق بشر است. برای اینکه ما فرض می‌کنیم که یک ملتی تمامشان رای داند که یک نفری سلطان باشد، بسیار خوب، اینها از باب اینکه مسلط بر سرنوشت خودشان هستند و مختار به سرنوشت خودشان هستند، رای آنها برای آنها قابل است؛ لکن اگر چنانچه یک ملتی رای دادند (ولو تمامشان) به اینکه اعقاب این سلطان هم سلطان باشد، این به چه حقی ملت پنجاه سال از این، سرنوشت ملت بعد را معین می‌کند سرنوشت هر ملتی به دست خودش است. ما در زمان سابق، فرض بفرمایید که زمان اول قاجاریه نبودیم، اگر فرض کنیم که سلطنت قاجاریه به واسطه یک فراندگی تحقق پیدا کرد و همه ملت هم ما فرض کنیم که رای مثبت دادند، اما رای مثبت دادند بر آقامحمدخان قجر و آن سلاطینی که بعدها می‌آیند. در زمانی که ما بودیم و زمان سلطنت احمدشاه بود، هیچ یک از ما زمان آقامحمدخان را ادراک نکرده، آن اجداد ما که رای دادند برای سلطنت قاجاریه، به چه حقی رای دادند که زمان ما احمد شاه سلطان باشد سرنوشت هر ملت دست خودش است. ملت در صد سال پیش از این، صدوپنجاه سال پیش از این، یک ملتی بوده، یک سرنوشتی داشته است و اختیاری داشته ولی او اختیار ماها را نداشته است که یک سلطانی را بر ما مسلط کند. ما فرض می‌کنیم که این سلطنت پهلوی، اول که تاسیس شد به اختیار مردم بود و مجلس موسسان را هم به اختیار مردم تاسیس کردند و این اسباب این می‌شود که - بر فرض اینکه این امر باطل، صحیح باشد - فقط رضاخان سلطان باشد، آن هم بر آن اشخاصی که در آن زمان بودند و اما محمد رضا سلطان باشد بر این جمعیتی که الان بیشتر شان، بلکه الا بعض قلیلی از آنها ادراک آن وقت را نکرده‌اند، چه حقی داشتند ملت در آن زمان، سرنوشت ما را در این زمان معین کنند؛ بنابر این سلطنت محمدرضا اولاً که چون سلطنت پدرش خلاف قانون بود و با زور و با سرنیزه تاسیس شده بود مجلس، غیر قانونی است، پس سلطنت محمدرضا هم غیر قانونی است و اگر چنانچه سلطنت رضاشاه فرض بکنیم که قانونی بوده، چه حقی آنها داشتند که برای ما سرنوشت معین کنند هر کسی سرنوشتش با خودش است، مگر پدرهای ما ولی ما هستند؟ مگر آن اشخاصی که درصد سال پیش از این، هشتاد سال پیش از این بودند، می‌توانند سرنوشت یک ملتی را که بعدها وجود پیدا کنند، آنها تعیین بکنند؟ این هم یک دلیل که سلطنت محمدرضا سلطنت قانونی نیست. علاوه بر این، این سلطنتی که در آن وقت درست کرده بودند و مجلس موسسان هم ما فرض کنیم که صحیح بوده است، این ملتی که سرنوشت خودش با

خودش باید باشد، در این زمان می‌گوید که ما نمی‌خواهیم این سلطان را. وقتی که اینها رای دادند به اینکه ما سلطنت رضاشاه را، سلطنت محمدرضاشاه را، رژیم سلطنتی را نمی‌خواهیم، سرنوشت اینها با خودشان است. این هم یک راه است از برای اینکه سلطنت او باطل است.» با توجه به متن بالا سوال این است که اگر ملتی آمدند و امام خمینی را حاکم کردند بر سرنوشت خودشان این ملت چه حقی دارند که برای نسل‌های بعدی هم حاکم تعیین کند (منظورم آیت‌الله خامنه‌ای) است؟ به قول امام رای آن مردم و نسل شما برای شما قابل و محترم بود و برای ما نیست، اونوقت چه حرفی دارید؟ می‌گویید که خیر؟ باید با زور قبول کنید که حاکمتان آیت‌الله خامنه‌ای باشد؟ (خبرگان هم که از خودتان است و سیاست و طرز فکرشان همان تفکر انقلاب و نظام و رهبری است) اگر بگوئید که می‌توانید در رئیس‌جمهوری هر که را خواستید انتخاب کنید می‌گوییم خیر زیرا سیاست‌های نظام از اول انقلاب تاکنون همین بوده بنابراین با تغییر رئیس‌جمهور چیز خاصی عوض نمی‌شود. تئوری ولایت مطلقه فقیه (که اکثریت فقهای شیعه، مطلقه بودنش را قبول ندارند) در عمل شکست خورد یعنی در این چهل ساله خوب نشان داد که آخوند جماعت نمی‌تواند خوب مدیریت و کشورداری کند و بهتر است مقام شامخ روحانیت (که الان در نظر مردم تحقیر و توهین می‌شود و سبک شمرده می‌شود) راه علمای وارسته‌ی گذشته را در پیش گیرد و به جایگاه قبلی خودش بازگردد. علمایی هم چون آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و ...

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- همان‌طور که ملاحظه کرده‌اید ملت ایران به رهبری حضرت امام قیام کردند و گفتند ما آن طرحی که گذشتگان برایمان شکل دادند، نمی‌خواهیم و بیش از ۹۹ درصد به جمهوری اسلامی رأی دادند و مردم همواره در انتخابات با شرکت فعال خودشان نشان می‌دهند ادامه‌ی کار را در بستر همین نظام پذیرفته‌اند و گرنه مثل کاری که با نظام شاهنشاهی کردند انجام می‌دهند. به همین جهت مقام معظم رهبری «حفظه‌الله تعالی» در صحبت حکیمانه و سراسر بصیرت اخیرشان با مردم آذربایجان فرمودند یک‌سال دشمنان بیگانه از واقعیت جامعه تلاش می‌کنند که بگویند مردم اصل نظام را قبول ندارند ولی مردم با حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن، همه‌ی آن حرف‌ها را می‌شویند و از بین می‌برند ۲- برای تحقق یک تمدن و عبور از رسوبات فکری تمدن قبلی، سال‌های متمادی طول می‌کشد و از این جهت است که ما هنوز گرفتار ضعف‌های فکری و عادت‌ی نظام گذشته‌ی شاهنشاهی و غربی هستیم و این ربطی به روحانیت ندارد. موفق باشید